

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

این سند نامه در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۷

بمنزه ۱۹ فروردین ۱۳۸۹ در محل (م)



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه تاریخ

علی اکبر

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری تاریخ

۱۳۸۹/۷/۱۴

عنوان

تأثیر تحولات اروپا بر سیاست صنعتی سازی در دوره رضاشاه

استاد راهنما

دکتر سهراب یزدانی

استادان مشاور

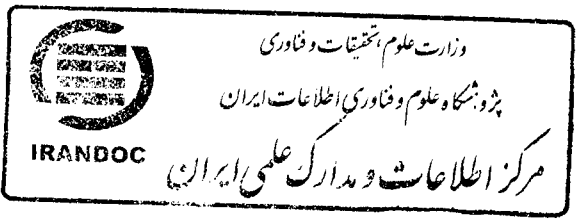
دکتر علی اصغر مصدق

دکتر محمد علی اکبری

پژوهش

سید حسن شجاعی دیوکلائی

شهریور ماه ۱۳۸۹



۱۴۹۱۴۴

۱۳۸۹/۱۰/۱۹

تقدیم به

پدرم، اولین و همیشه معلم زندگی‌ام، کسی که پابندی به  
اخلاق را به من آموخت.

و تقدیم به

مادر مهربان، دلسوز و فداکارم که در سایه‌سار فداکاری‌های او،  
دشواری‌های سال‌های طولانی تحصیل آسان شد.

## تقدیر و تشکر

از کودکی آموختیم که هر کس شکرگزار مخلوق نباشد، شکرگزار خالق متعال نیز نخواهد بود. براین اساس بر خود لازم می‌دانم تا مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به همه کسانی که بنده را در طی سال‌های تدوین رساله کمک و همراهی کردند ابراز دارم. از پدر، مادر و سایر اعضای خانواده‌ام که در این سال‌های مرا از حمایت‌های معنوی، روحی و عاطفی خود برخوردار کردند.

در کنار این عزیزان بر خود لازم می‌دانم تا مراتب سپاس‌گزاری و قدردانی خود را به محضر استادان گرانقدری که در تدوین رساله بنده را کمک و همراهی کردند ابراز دارم. استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر سهراب یزدانی که به حق زبانم ناتوان از بیان میزان زحمات ایشان و همچنین ابراز مراتب سپاس‌گزاری نسبت به ایشان است. بی هیچ شک و تردید، بدون راهنمایی‌ها و حمایت‌های ایشان، این رساله به پایان نمی‌رسید. در کنار برخوردارگی از چنین موهبتی لطف بزرگ جناب آقای دکتر یزدانی آن بود که با اعتماد و دادن استقلال به بنده اجازه داد تا ایده‌های خود را در رساله به رشته تحریر در آورم.

علاوه بر این مراتب قدردانی و سپاس‌گزاری خود را از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری که راهنمایی‌های ایشان همواره کارگشا بود و پایان‌نامه را از جنبه‌های علمی و روال اداری رو به جلو می‌برد؛ به محضر ایشان ابراز می‌دارم. اشاره به این نکته را لازم می‌دانم که تقریباً تمامی منابع انگلیسی بکارگرفته شده در این رساله ره‌آورد سفر جناب آقای دکتر اکبری از انگلستان بود که ایشان سخاوتمندانه در اختیار بنده قرار دادند.

همچنین بر خود لازم می‌دانم تا قدردانی و سپاس‌گزاری خود را از جناب آقای دکتر علی اصغر مصدق استاد محترم مشاور که در زمان برخورداری از سلامت جسمی نهایت لطف را نسبت به بنده علی‌الخصوص در تدوین و تصویب پروپوزال داشته‌اند ابراز دارم و از خداوند متعال در خواست سلامتی و بهبودی کامل برای ایشان نمایم.

در کنار این عزیزان مراتب قدردانی خود را زحمات استادان محترم و گرانقدر دانشگاه شهید بهشتی که مهمترین مقاطع دوران تحصیل ( کارشناسی ارشد و دکترا ) خود را در محضر آنان کسب فیض کردم به پیشگاه این عزیزان جناب آقای دکتر خلعتبری، جناب آقای دکتر بیگدلی، جناب آقای دکتر شعبانی، جناب آقای دکتر آزادگان و جناب آقای دکتر حسنی ابراز می‌دارم.

همچنین سپاس ویژه خود را به محضر استاد محترم و گرانقدر جناب آقای دکتر کریم سلیمانی ابراز می‌دارم که پایان‌نامه سرکار خانم فاطمه خرمی را که به بررسی اسناد مربوط به مبادلات تجاری ایران و آلمان در دوره رضاشاه اختصاص داشت در اختیار بنده قرار دادند که در بازشناسی اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران بسیار موثر بود.

علاوه بر استادان محترم، بر خود لازم می‌دانم تا از برخی از دوستان که در طی دوران تحصیل در مقطع دکترا و مخصوصاً در دوران تدوین رساله بنده را مرهون لطف خود قرار دادند سپاس‌گزاری کنم. از سرور عزیز و معلم بزرگ زندگی‌ام جناب آقای حاج‌علی اروجقلی که همواره در تمام مراحل تدوین پایان‌نامه تلاش می‌کرد تا خستگی‌های روحی و جسمی را از وجودم بزدايد کامل قدر دانی و تشکر را دارم. همچنین از آقایان حسین پیشگر و مجید عسگر دانشجویان دوره دکترای برق دانشگاه شهید بهشتی، جناب آقای حسین زرینی دانشجوی دوره دکترای تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، جناب آقای دکتر علی‌پاشازاده، همکلاسی‌های عزیزم جناب آقای دکتر کوروش فتحی، دکتر کوروش طالحي و مخصوصاً جناب آقای دکتر حسن باستانی‌راد که همواره در تمام مراحل تحصیلی در مقطع دکترا مرا مرهون لطف و محبت‌های خود قرار داده است در کنار سایر عزیزان تقدیر و تشکر می‌کنم.

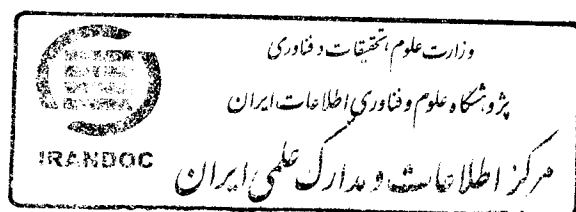
## چکیده

ایجاد صنایع ماشینی در کشور به یکی از آرزوهای ایرانیان از زمان رویارویی با غرب در دوران قاجار تبدیل شد. در این راستا اگرچه تلاش‌هایی در دوران قاجار توسط رجال سیاسی، تجار و سرمایه‌گذاران خارجی صورت گرفت، اما به دلیل حاکم بودن شرایط نیمه استعماری، این امر محقق نشد. علاوه بر پیامدهای اقتصادی ناشی از شرایط نیمه-استعماری، هرج و مرج‌های سیاسی پس از انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول زمینه‌گرایش به حکومت مقتدر متمرکز را در جامعه ایجاد کرد. یکی از کارکردهای این حکومت صنعتی‌سازی بود. چنین حکومتی توسط رضاخان تشکیل شد. رساله حاضر تحقیقی تاریخی تطبیقی در زمینه صنعتی‌سازی ایران و تأثیر تحولات اروپا بر سیاست‌های صنعتی‌سازی در این دوره است. در این تحقیق تأثیر تحولات سیاسی-اقتصادی اروپا در سال‌های میان دو جنگ جهانی، (بحران اقتصادی ۱۹۲۹، به قدرت رسیدن نازیسم و جنگ جهانی دوم) بر سیاست صنعتی‌سازی ایران بررسی می‌شود.

فرضیه رساله بر این پایه استوار است که باتوجه به وضعیت توسعه‌نیافتگی و در نتیجه، وابستگی اقتصادی ایران به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری، اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی ایران در این دوره تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی قرار داشت که مناسبات حاکم بر بازار جهانی را تعیین می‌کرد. بر این اساس تحولات اروپا بر گرایش به صنعتی‌سازی، روند آن و سیاست‌های صنعتی‌سازی در این دوره تأثیرگذار بوده است.

در نتیجه این تأثیرگذاری بود که دولت به صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات جهت تولید کالاهای مصرفی در داخل کشور در واکنش به بحران اقتصادی ۱۹۲۹ گرایش پیدا کرد. توسعه کشاورزی را بر صنعتی‌سازی در نتیجه روابط مبادلاتی ایران و آلمان نازی اولویت بخشید. در استراتژی صنعتی‌سازی از جایگزین واردات، به توسعه صادرات با هدف انجام تعهدهای پرداختی مواد اولیه به آلمان نازی تغییر جهت داد. سرانجام، روند صنعتی‌سازی در نتیجه بروز جنگ جهانی دوم و به واسطه قطع شدن روابط ایران و آلمان، به عنوان بزرگترین صادرکننده و تجهیزکننده کارخانه و ماشین‌آلات صنعتی ایران، و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، پایان یافت.

**واژگان کلیدی:** توسعه‌نیافتگی، بازار جهانی، رضاشاه، صنعتی‌سازی، بحران اقتصادی ۱۹۲۹، روابط ایران و آلمان نازی، جنگ جهانی دوم.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۵	مقدمه
۵	۱. بیان مسأله
۶	۲. ادبیات تحقیق
۱۰	۳. پرسش‌های تحقیق
۱۱	۴- فرضیه‌های
	۵. روش تحقیق ۱۲
۱۳	۶. دشواری‌های و موانع تحقیق
۱۴	۷. گزارش تحقیق
۱۷	معرفی منابع
۲۶	پیش درآمد. توسعه نیافتگی و صنعتی‌سازی؛ ملاحظات نظری و تاریخی
۲۶	۱. مفهوم توسعه نیافتگی
۲۸	۲. توسعه نیافتگی در ادوار تاریخی نظام سرمایه داری
۲۹	الف: عصر سرمایه‌داری تجاری
۳۳	ب: عصر سرمایه‌داری صنعتی
۳۶	ج: عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی
۳۸	۳. پیامدهای توسعه نیافتگی
۴۲	۴. صنعت‌زدایی و توسعه نیافتگی
۴۸	۵. صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه نیافتگی
۶۲	فصل اول. تحولات اقتصادی- سیاسی اروپا (۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹)
۶۳	۱. پیامدهای اقتصادی جنگ و صلح (۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴)
۷۴	۲. حاکمیت سیستم ورسای (۱۹۲۴ تا ۱۹۲۹)
۸۱	۳. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م.
۹۵	۴. زمینه‌های اقتصادی ظهور نازیسم
۱۰۵	۵. انحطاط سیستم ورسای (۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹)

فصل دوم. گرایش به صنعتی‌سازی در ایران، پس از جنگ جهانی اول ..... ۱۱۴  
۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸

۱. صنعتی‌سازی در وضعیت نیمه استعماری ایران عصر قاجار ..... ۱۱۵
۲. پایان وضعیت نیمه‌استعماری ایران ..... ۱۲۳
۳. تمرکزگرایی و لزوم تأمین منابع مالی ..... ۱۳۶
۴. صنعتی‌سازی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ شمسی ..... ۱۵۶

فصل سوم. تأثیر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بر سیاست‌های صنعتی‌سازی در ایران

۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ شمسی ..... ۱۷۶

۱. مدخل: (پیامدهای بحران اقتصادی در جوامع توسعه‌نیافته) ..... ۱۷۶
۲. پیامدهای بحران اقتصادی در ایران و واکنش‌ها به آن ..... ۱۸۲
۳. صنعتی‌سازی واکنشی به پیامدهای بحران در ایران ..... ۲۰۳

فصل چهارم. تأثیر روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست صنعتی‌سازی

۱۳۱۴ - ۱۳۱۸ شمسی ..... ۲۳۱

۱. سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی ..... ۲۳۱
۲. روابط اقتصادی ایران و آلمان نازی، روند و پیامدها ..... ۲۳۷
۳. پیامد روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست‌های صنعتی‌سازی ..... ۲۵۱
- الف: تشدید نظارت دولت بر سیاست صنعتی‌سازی ..... ۲۵۵
- ب: تغییر در استراتژی صنعتی ..... ۲۶۰

فصل پنجم. تأثیر جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی‌سازی

۱. مرحله یکم: از آغاز جنگ جهانی تا شهریور ۱۳۲۰ ..... ۲۷۳

۲. مرحله دوم: پیامد اشغال ایران بر صنعتی‌سازی ..... ۲۸۳

نتیجه‌گیری ..... ۲۸۷

کتاب‌نامه ..... ۲۹۱

ضمائم ..... ۳۰۵



## مقدمه

### طرح تحقیق

#### ۱. بیان مسأله

تلاش اولیه اصلاح‌گران ایرانی در دوره قاجار برای ایجاد صنایع با سرمایه‌گذاری مستقیم دولت به سرعت جای خود را به کوشش دولت برای جذب سرمایه‌های از طریق واگذاری امتیازهای به سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین فعالیت‌های سرمایه‌داران داخلی که اکثریت آنان را تجاری که در عرصه تجارت خارجی فعالیت می‌کردند، در دهه‌های پایانی این عصر داد. در بوجود آمدن چنین وضعیتی ادغام ایران در بازار جهانی نظام سرمایه‌داری از نیمه دوم قرن نوزدهم که یکی از ویژگی‌های آن تلاش برای صدور سرمایه و کالاهای سرمایه‌داری به کشورهای توسعه‌نیافته بود، نقش بسیار مهمی داشت. تحت چنین شرایطی اگرچه برخی از مناطق و کشورهای توسعه‌نیافته از جمله در چین و آمریکای لاتین صدور سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای به ایجاد برخی صنایع البته بیشتر در خدمت تولید و انتقال مواد اولیه به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری منجر شد، اما در ایران این امر به دلیل قرار گرفتن در شرایط خاص سیاسی که از آن به عنوان وضعیت نیمه‌استعماری نام برده می‌شود، محقق نشد. شکل‌گیری وضعیت نیمه-استعماری که مانع اصلی صدور سرمایه به ایران و عامل اصلی ورشکستگی صنایع پیشه‌وری و صنایع محدود ماشینی (که ممکن بود تحت شرایط خاص در ایران ایجاد شود) بود، ریشه در کشیده شدن دامنه رقابت‌های روس و انگلیس به ایران داشت. دو کشور که به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی منافعی در صدور سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای به ایران نداشتند؛ با استفاده از ضعف‌های سیاسی حکومت‌گران قاجار و تحمیل قراردادهای حقوقی و گمرکی، زمینه صدور ارزان کالاهای ساخته شده را با عوارض گمرکی پائین - ۵٪ - به ایران فراهم کردند و به این ترتیب زمینه را برای ورشکستگی صنایع در ایران اعم از صنایع پیشه‌وری و صنایع ماشینی که با سرمایه‌گذاری تجار و سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌شد فراهم نمودند. بدین ترتیب ایران نخستین فرصت تاریخی ایجاد شده برای کشورهای توسعه‌نیافته جهت ایجاد صنایع هرچند به صورت محدود را به دلیل حاکم بودن وضعیت نیمه‌استعماری از دست داد. فرصتی که در نتیجه شکل‌گیری مرحله سوم سرمایه‌داری - عصر سرمایه‌داری بزرگ مالی - که ویژگی آن صدور

مازاد سرمایه از کشورهای سرمایه‌داری به جوامع توسعه نیافته پیرامونی بود، ایجاد شده بود. این وضعیت تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت.

تحت چنین شرایطی، روشنفکران و نخبگان سیاسی و اقتصادی جامعه که از یک سو بوجود آمدن وضعیت نیمه‌استعماری را ناشی از ضعف حکومت قاجار در مقابل دو قدرت استعماری روس و انگلیس می‌دانستند، و از سوی دیگر از وضعیت سیاسی وجود آمده از انقلاب مشروطه سرخورده بودند، به شکل-گیری حکومت مقتدر متمرکزی که یکی از کارکردهای آن صنعتی‌سازی بود، تمایل نشان دادند. مقدمات تشکیل چنین حکومتی که زمینه‌های داخلی آن با شکل‌گیری چنین تمایلاتی ایجاد شده بود. پس از جنگ جهانی اول و رفع شرایط نیمه استعماری در نتیجه وقوع انقلاب روسیه و فرسایش قدرت اقتصادی سیاسی انگلستان در نتیجه جنگ جهانی اول به لحاظ خارجی فراهم شد. در چنین شرایطی انتظار می‌رفت به سلطنت رسیدن رضاشاه موجب پی‌گیری جدی جریان صنعتی‌سازی از جانب حکومت وی شود. ولی در این زمینه تا سال ۱۳۰۹ به جز اقدام‌های حمایتی محدود از صنایعی که توسط بخش خصوصی ایجاد شده بود، تلاش جدی از سوی دولت صورت نگرفت، و تنها از سال ۱۳۱۰ بود که دولت سیاست صنعتی‌سازی را تا سال ۱۳۱۶ به اجرا در آورد. از این سال توسعه کشاورزی تجاری با هدف افزایش تولید محصولات کشاورزی جهت صادرات، صنعتی‌سازی را از اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت خارج کرد. و در ادامه هم وقوع جنگ جهانی دوم از سال ۱۳۱۸ آن را بکلی متوقف کرد و با اشغال ایران توسط نیروهای متفقین به آن پایان بخشید.

بررسی چرایی و چگونگی چنین فراز و فرود در سیاست‌گذاری‌های صنعتی‌سازی در تطبیق با تحولات اروپا هدف اصلی این رساله است. انجام این تحقیق همانند سایر تحقیقات نیازمند به بررسی پیشینه تحقیق بود. حاصل این بررسی‌ها در گزارش زیر ارائه می‌شود.

## ۲. ادبیات تحقیق

در ارتباط با عنوان رساله و با نگرشی مشابه آن تاکنون هیچ اثر در قالب مقاله، کتاب و یا رساله به زبان فارسی و انگلیسی به رشته تحریر درنیامده است. در ارتباط با موضوع مورد بحث یعنی صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه تنها یک مقاله به صورت تخصصی وجود دارد که توسط ویلم فلور تحت عنوان «صنعتی شدن در ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰» به نگارش درآمد. در سایر موارد مباحث مربوط به صنعتی‌سازی در قالب

کتاب‌هایی که به صورت عمومی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را تحت عناوین مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند به مسأله صنعتی‌سازی به طور مختصر اشاره کرده‌اند، که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

**صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی:** این کتاب شامل مجموع مقالاتی از ویلم فلور است که در ۱۳۷۱ توسط انتشارات البرز به چاپ رسیده است. مجموعه مقاله‌های این کتاب عبارتند از: صنعتی شدن ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰، صنعت پارچه‌بافی در ایران ۱۵۰۰ تا ۱۹۰۰، شورش شیخ احمد مدنی و صید مروارید در خلیج فارس. در این رساله نخستین مالمه از این کتاب «صنعتی شدن در ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰» در تدوین فصل‌ها سوم و پنجم مورد استفاده قرار گرفت. ویژگی مهم این مقاله به عنوان تنها اثری که بطور اختصاصی به مسأله صنعتی‌سازی پرداخته، ارائه دو لیستی از صنایع و کارخانه‌های ایران، که یکی از آنها دربردارنده آمار کارخانه‌ها را از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۱ و دیگری در بردارنده آمار کارخانه‌های ایران تا سال ۱۹۴۰ است. لیست اخیر به دلیل قفدان آمار دقیق از کارخانه‌های ایران از سال ۱۳۱۷ می‌تواند در ترسیم سیاست‌های صنعتی دولت و تغییری که در استراتژی صنعتی در سال‌های پایانی حکومت پهلوی بوجود آمد کمک کند. لیست‌های مذکور با وجود این مزیت خالی از اشکال نیست زیرا منابعی که براساس آن فلور لیستی‌های مورد نظر را تدوین کرد از اسناد و آرشیوهای دقیق استخراج نشد بلکه تمامی آنها از کتب مختلف که بخشی از این کتب منابه دست اول و برخی دیگر از منابه مطالعاتی هستند استخراج شد.

اما از دیگر نکات قابل توجه در مورد این مقاله تقسیم بندی است که فلور در مورد دوره‌های صنعتی‌سازی انجام داده. همانند رساله حاضر فلور هم معتقد به این مسأله است که صنعتی‌سازی تا سال ۱۳۱۰ در برنامه‌های اقتصادی دولت جای نداشت و از سال ۱۳۱۰ و در نتیجه وقوع بحران اقتصادی ۱۹۲۹ صنعتی‌سازی با هدف رهائی از پیامدهای بحران مورد توجه دولت قرار گرفت. اما در ادامه وی به تغییراتی که در نتیجه برقراری روابط ایران و آلمان نازی در سیاست‌ها و استراتژی صنعتی‌سازی ایجاد شده توجه چندانی نکرد.

**توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه:** کتاب توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه که توسط محمدرضا خلیلی‌جو به رشته تحریر درآمده، پژوهشی است در زمینه اقدامات و اصلاحات دوران بیست ساله حاکمیت رضاشاه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. مباحث این کتاب که در پنج فصل به رشته تحریر درآمده دربر دارنده مباحث نظری مانند تعاریف اصطلاحات، دیدگاه‌های نظری درباره توسعه و نوسازی، و رهیافت‌های توسعه است. در مباحث تاریخی این کتاب به مباحثی چون ویژگی‌های

سیاسی اقتصادی ایران قبل از اصلاحات رضاشاه، تأثیر انقلاب مشروطه در فراهم کردن مقدمات نوسازی، اصلاحات بیست‌ساله رضاشاه در عرصه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی و پیامدهای این اصلاحات در ایران است.

در زمینه مباحث مورد بحث رساله، این کتاب اشاره‌های به اقدام‌های صورت گرفته در جهت ایجاد صنایع و کارخانه‌ها در مبحث ششم فصل چهارم کتاب تحت عنوان اصلاحات و رفرم‌های تاریخ بیست ساله ایران دارد. مجموعه مباحث مطرح شده در زمینه صنعتی‌سازی در این کتاب دارای چند اشکال است ۱- در این کتاب به صورت بسیار مختصر به اقدام‌های صورت گرفته در عرصه صنعت پرداخته شده است. ۲- هیچ تقسیم‌بندی مشخصی که نشان دهنده میزان اهمیت و تلاش دولت برای صنعتی‌سازی در کشور نشان دهد وجود ندارد. ۲- آمار دقیق و قابل استنادی از کارخانه‌های ایجاد شده در ایران ارائه نشده است. ۴- بر خلاف نظر رساله که به صنعتی‌سازی از منظر اقتصادی می‌نگرد. در این کتاب به اقدام‌های صورت گرفته به عنوان اقدام‌هایی در جهت نوسازی نگریسته می‌شود. به همین دلیل به تأثیر عواملی چون بحران اقتصادی و رابطه ایران و آلمان در روند و سیاست‌گذاری‌های صنعتی‌سازی اشاره نمی‌کند ۶- نگارند کتاب در مسائل مربوط به صنعتی‌سازی صرفاً از منابع مطالعاتی استفاده می‌کند و همین مسأله کتاب وی را برای استفاده در مباحث مربوط به صنعتی‌سازی غیر قابل استناد می‌کند.

**ریشه‌های انقلاب ایران:** این کتاب همانگونه از عنوان آن پیدا است. تحقیقی است از جانب خانم نیکی کدی استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در زمینه ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷. این کتاب که در نه فصل تدوین شده، در بردارد تحولات تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از آغاز قرن نوزدهم تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ است. از مجموع مباحث مطرح شده در این کتاب مطالب فصل پنجم که به تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره رضاشاه اختصاص دارد مورد استفاده بسیار محدود مورد استفاده قرار گرفت.

اما در مسائل مربوط به صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه کدی به صورت جدی و دقیق به این مسأله نپرداخته است. در این زمینه وی تنها به تأثیر بحران اقتصادی بر گرایش دولت به صنعتی‌سازی اشاره کرد و بدون ارائه آماری از کارخانه‌های ایجاد شده و اقدامات دولت در این زمینه اعم از سرمایه‌گذاری و اقدام‌های حقوقی از طریق قانون‌گذاری، به این بحث بصورت گذرا پرداخت. همچنین کدی به روابط ایران آلمان و پیامدهای این روابط در سیاست‌های صنعتی‌سازی اشاره نکرد.

**اقتصاد ایران:** کتاب اقتصاد ایران نوشته جولیان بابر در سیزده فصل به بررسی تاریخ اقتصاد ایران از سال ۱۲۹۷ تا دهه ۱۳۵۰ ش می‌پردازد. منشاء نگارش این کتاب، رساله دکترای بابر در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقای لندن تحت عنوان تشکیل سرمایه در ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۵ است. شیوه بررسی کتاب نه بر اساس روند کروئولوژیک تاریخی، بلکه براساس بررسی موضوعی است. به غیر از فصل اول که به بررسی اوضاع کلی اقتصاد ایران در آستانه قرن بیستم می‌پردازد، در سایر فصل‌ها موضوع‌هائی اقتصادی چون منابع انسانی، ساختار و شیوه‌های تولید، سیاست‌های پولی و مالی، تجارت و پرداخت‌های خارجی، کشاورزی و جنگل‌داری و شیلات، معادن و صنعت نفت، صنایع، حمل و نقل، بخش‌های زیربنائی مانند برق، آب، گاز، تلفن و...، بانکداری و خدمات در دوره مورد بحث کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از فصل سوم این کتاب که با عنوان صنایع، به بررسی صنایع در ایران در سال‌های ۱۲۹۷ تا ۱۳۵۰ می‌پردازد، در تدوین فصل‌های سوم و چهارم این رساله استفاده شده است. از نکات مثبت این کتاب، بررسی میزان سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های دولتی و خصوصی و همچنین میزان بودجه اختصاص داده شده به وزارت‌خانه‌ها مخصوصاً وزارت صنایع در دوره رضاشاه است. علی‌رغم این خصصیه مثبت این کتاب نقطه ضعف‌هائی در زمینه موضوع مورد بحث پایان نامه دارد. یکی از این معایب استفاده نکردن مناسب از منابع فارس علی‌رغم آشنائی نویسنده به زبان فارسی و یک دهه وی زندگی در ایران بود. همچنین نویسنده توجه‌ای به پیامدهای بحران اقتصادی و روابط ایران و آلمان برسیاست صنعتی‌سازی نداشته است. دقیق نبودن آمار کارخانه‌های تاسیس شده در این دوره از دیگر معایب این کتاب است که در کنار سایر عوامل موجب شد تا این کتاب در راستای فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز رساله چندان مفید نباشد.

**اقتصاد سیاسی ایران:** کتاب اقتصاد سیاسی ایران نوشته محمدعلی همایون کاتوزیان است که در آن تحولات اقتصادی ایران از زمان انقلاب مشروطه تا پایان سلسله پهلوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کتاب در چهار بخش تحت عنوان‌های دولت و انقلاب که در بردارنده تحولات اقتصادی از ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۷، دولت و ضد انقلاب در بردارنده تحولات اقتصادی از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰، فترت، دموکراسی و دیکتاتوری در بردارنده تحولات اقتصادی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ و استبداد نفتی، توسعه اقتصادی و انقلاب مردم در بردارنده تحولات اقتصادی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ است.

در فصل دوم این کتاب به که بررسی تحولات اقتصادی ایران در عصر رضاشاه اختصاص دارد بصورت مختصر به صنعتی‌سازی پرداخته می‌شود. بخش اعظم مطالب این قسمت از کتاب برگرفته از

کتاب تاریخ اقتصاد ایران جولیان بابر است. نویسنده این کتاب علی‌رغم ایرانی بودن از اسناد و منابع آرشیوی استفاده نکرده است.

اما علی‌رغم چنین پیشینه محدود تحقیق در این رساله سعی شده بر اساس پرسش‌هاش زیر به موضوع تأثیر تحولات اروپا بر سیاست صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه پرداخته شود.

### ۳. پرسش‌های تحقیق

الف: پرسش اصلی

تحولات اروپا با توجه به نقش تعیین کننده آن بر اقتضانات اقتصاد سرمایه‌داری جهانی چه تأثیری و پیامدی بر صنعتی‌سازی در ایران دوره رضاشاه به عنوان یک کشور توسعه‌نیافته و وابسته به مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری داشت؟

ب: پرسش‌های فرعی

در کنار پرسش فوق به عنوان پرسش اصلی این رساله، پرسش‌های دیگری به عنوان پرسش‌های فرعی به شرح زیر مطرح می‌شود:

صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه‌نیافتگی در رابطه میان جوامع توسعه‌نیافته با جوامع سرمایه‌داری چه مراحل را طی کرد و چگونه صنعت و صنعتی‌سازی به جوامع توسعه نیافته راه پیدا کرد؟

در اجرای سیاست‌های اقتصادی در دوره رضاشاه چه عواملی موثر بوده است؟

رفع شرایط نیمه‌استعماری پس از جنگ جهانی اول، در شرایطی که این وضعیت اصلی‌ترین مانع صنعتی‌سازی در ایران عصر قاجار بود، چه تأثیری در گرایش به صنعتی‌سازی داشته است؟

بحران اقتصادی ۱۹۲۹ چه تأثیری در گرایش دولت به صنعتی‌سازی در سال‌های پس از جنگ داشته است؟

روابط ایران و آلمان نازی چه تأثیری در روند و استراتژی صنعتی‌سازی داشته است؟

بروز جنگ جهانی دوم چه تأثیری بر صنعتی‌سازی داشته است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها فرضیه‌هایی به شرح زیر در نظر گرفته شده است.

#### ۴. فرضیه‌های تحقیق

##### الف: فرضیه اصلی

تحولات اروپا با توجه به نقش تعیین کننده آن بر مناسبات حاکم بر بازار جهانی، اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری گرایش به صنعتی‌سازی و روند سیاست‌گذاری‌های صنعتی در دوره رضاشاه با توجه به توسعه نیافتگی و وابستگی ایران به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بوده است.

##### ب: فرضیه‌های فرعی

رفع شرایط نیمه استعماری از ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی اول علی‌رغم تمایل نخبگان سیاسی و اقتصادی جامعه، به دلیل وابستگی ایران به بازار جهانی به صنعتی‌سازی در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ منجر نگردید.

تلاش برای ایجاد تمرکز سیاسی و لزوم تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی، سهم اصلی را در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در دوره رضاشاه داشت. اما وابستگی اقتصاد ایران به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری اولویت این سیاست‌های اقتصادی را تعیین می‌کرد.

وابستگی ایران به بازار جهانی و ایفای نقش تولید کننده مواد اولیه در راستای تقسیم کار بازار جهانی موجب شد تا علی‌رغم رفع شرایط نیمه استعماری در سال‌های پس از جنگ جهانی اول به جای صنعتی‌سازی همچنان تولید و صدور مواد اولیه را به عنوان اصلی‌ترین منبع کسب درآمد در پیش گیرد.

بحران اقتصادی مهمترین عامل در گرایش دولت به صنعتی‌سازی از سال ۱۳۱۰ با استراتژی جایگزین واردات به منظور رفع مشکل کاهش درآمد حاصل از صدور مواد اولیه و کاهش واردات موارد مصرفی بود.

روابط ایران و آلمان نازی با توجه به نیاز روزافزون صنایع آلمان به مواد اولیه، اولاً صنعتی سازی را در ایران از اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت به نفع توسعه کشاورزی خارج کرد و ثانیاً استراتژی صنعتی-سازي را از جایگزین واردات به توسعه صادرات با هدف تولید بیشتر مواد اولیه برای صدور مخصوصاً به آلمان تغییر داد.

جنگ جهانی دوم روند صنعتی سازی را در ایران با توجه به قطع روابط ایران و آلمان و در نهایت اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، ابتدا کند و سپس به طور کامل پایان داد.

## ۵. روش تحقیق

روش پژوهش در این رساله، روش تحقیق تاریخی به صورت تطبیقی است. براساس این روش سعی شد تا به بررسی تأثیر تحولات اروپا بر سیاست‌های صنعتی سازی در ایران عصر رضاشاه، در تطبیق این تأثیرپذیر از تحولات اروپا تحت تأثیر روابط متأثر از وابستگی کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته سرمایه داری، در چهارچوب مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه داری پرداخته شود.

به همین منظور در این رساله سعی شد تا از منابع تاریخی اعم از اسناد و مدارک آرشیوی، نشریات، کتب و مقالات مربوط به دوره رضاشاه که در مراکز اسناد و کتابخانه‌ها موجود بود، و همچنین منابع مطالعاتی در این زمینه که بیشتر شامل کتاب‌های نگاشته شده در ارتباط با موضوع و یا سایر مباحث مربوط به موضوع در دوره مورد بحث برای تبیین مباحث مربوط به صنعتی سازی استفاده شود. اما در کنار صنعتی سازی به عنوان یکی از متغیرهای تحقیق، بررسی متغیر دیگر، یعنی تحولات اروپا نیز ضروری بود. به همین دلیل بررسی تحولات اروپا در سال‌های میان دو جنگ جهانی علی‌الخصوص تحولاتی که بر سیاست‌های صنعتی سازی تأثیرگذار بودند مورد بررسی قرار گرفتند. منابع مورد استفاده در این مباحث، کتاب‌ها و مقالاتی بودند که در حوزه تاریخ اروپا و در مورد مباحث سیاسی و اقتصادی در چهارچوب مباحث تنوریک و یا تاریخی صرف نوشته شدند.

یکی از نکات مهم در این تحقیق، فهم، تبیین و تحلیل رابطه صنعتی سازی با تحولات اروپا است. انجام این کار نیازمند به بررسی و تبیین تئوری‌های مربوط توسعه نیافتگی و وابستگی بود. زیرا در سایه بررسی این تئوری‌ها است که می‌توان تحولات و مسائل تاریخی که در دو سوی آن جوامع توسعه یافته سرمایه داری و کشورهای توسعه نیافته قرار دارند تبیین و تحلیل کرد. هدف از تبیین این رابطه که در



چهارچوب ترکیبی از مباحث تئوری و روند تاریخی ارائه شد، ساخت دستگاه نظری تحقیق و بکارگیری آن جهت پیدا کردن رابطه صنعتی‌سازی با تحولات اروپا در این رساله بود. براین اساس و با توجه به کارکرد روش تحقیق تاریخی به صورت تطبیقی بود که نگارنده اجزاء سه‌گانه این تحقیق را بهم پیوند دهد و به تبیین فرضیه و پرسش‌های تحقیق بپردازد. اما در تدوین پژوهشی که به این ترتیب صورت گرفت، دشواری‌ها و کاستی‌هایی وجود داشت که در زیر به آن می‌پردازیم

## ۶. دشواری‌های پژوهش

در تدوین این رساله نگارنده با دو مشکل جدی مواجه بود. مشکل اول پیشینه تحقیق بود. در زمینه موضوع رساله هیچ پیشینه تحقیقاتی وجود نداشته و بدون تردید هیچ کتاب، رساله، و مقاله‌ای تحت این عنوان و یا دستکم با چنین نگرشی به رشته تحریر در نیامده بود. علاوه بر این در زمینه موضوع تحقیق، صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه نیز به جز مقاله‌ای از ویلم فلور تحت عنوان «صنعتی‌شدن ایران ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۰» که به همراه چند مقاله دیگر از وی در سایر موضوعات که در مجموعه در کتابی تحت عنوان «صنعتی شدن در ایران و شورش شیخ احمد مدنی» به چاپ رسیده، هیچ تحقیق مستقلی در زمینه صنعتی‌سازی در این دوره صورت نگرفت. در چنین شرایطی نگارنده ناچار بود براساس مطالعات و ساختارهای ذهنی خود به تدوین چهارچوب پایانامه بپردازد.

تدوین این چهارچوب خود ایجاد کننده دومین مشکل پیش‌روی تحقیق بود. تدوین این چهارچوب نیازمند به شناخت مباحث نظری در مسائلی چون توسعه نیافتگی، وابستگی، اقتصاد جوامع توسعه‌نیافته، صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه نیافتگی و استراتژی‌های صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه‌نیافته و پیوند دادن آن با مباحث مربوط به صنعتی‌سازی در ایران - به عنوان یک کشور توسعه‌نیافته - و تحولات اروپا بود. ضرورت انجام چنین مطالعاتی در شرایطی بوجود آمد که مطالعه، فهم و بکارگیری این مباحث با توجه به اینکه این مطالعات در ایران از حوزه مطالعه دانشجویان تاریخ خارج است، کاری دشوار و زمان‌بر بود.

سومین مشکل پیش‌روی رساله کمبود منابع تاریخی در حوزه‌های تاریخ اروپا و تاریخ کشورهای جهان سوم در کتابخانه‌های بود. در حوزه تاریخ اروپا منابع موجود در کشور کم است و مهمتر از آن این - که این فقر منابع خود از تخصصی نبودند کتاب‌های موجود و پرداختن آنها به مباحث عمومی در بستر

زمانی وسیع رنج می‌برد. با چنین مشکلی مطالعات تاریخی مربوط به کشورهای توسعه‌نیافته و جهان سوم نیز مواجه است. همانند مطالعات تاریخی در حوزه تاریخ اروپا، مطالعات تاریخی در حوزه کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم نیز با کمبود منابع، و مهمتر از آن منحصر بودن آن به تئوری پردازی با توجه کمتر به مباحث تاریخی مواجه است. این مسأله، انجام مطالعه تطبیقی میان کشورهای توسعه نیافته و همچنین فهم و به آزمایش گذاشتن تئورهای مربوط به توسعه نیافتگی با بسترهای تاریخی کشورهای توسعه‌نیافته ایجاد مشکل می‌کند.

چهارمین مشکل پیش‌روی پژوهش مربوط به تهیه آمار و ارقام اقتصادی مورد نیاز تدوین رساله بود. آمار و ارقام مربوط به میزان صادرات و واردات مندرج در منابع مختلف از دقت کافی برخوردار نبود و در برخی موارد، در منابع مختلف درباره آنها توافق وجود نداشت. در زمینه مشکلات آماری، مهمترین مسأله نبود آمار دقیق از صنایع ایران مخصوصاً از سال ۱۳۱۷ بود که برآورد دقیق از وضعیت صنعتی‌سازی و مسائل مربوط به سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی صنعتی‌سازی را با مشکل مواجه می‌کند. البته ناگفته نماند که بخشی از این مشکلات آماری متأثر از وضعیت سیاسی حاکم بر کشورهای توسعه نیافته است. رژیم‌های خودکام در کشورها توسعه‌نیافته همواره با عددسازی و بازی با قواعد آماری در صدد نشان دادن پیشرفت‌های اقتصادی جامعه بوده و از این طریق درصد نشان دادن کارآمدی خود و کسب مشروعیت سیاسی از جامعه هستند. نمونه‌ای از این شیوه در دوره مورد بحث را می‌توان در افزایش سوال برانگیز میزان صادرات ایران در سال ۱۳۱۰ - نخستین سال اجرای قانون انحصار تجارت توسط دولت - مشاهده کرد. چنین افزایشی که تا مدت‌ها در جراید آن دوره به عنوان نمونه‌ای از کارآمدی حکومت مورد ستایش قرار گرفت؛ بیش از آنکه ناشی از افزایش میزان واقعی صادرات باشد. ناشی از اقدام دولت در انجام تغییر در سال آمای بود. تا سال ۱۳۰۹، سال آماری از اول فرودین تا ۲۹ اسفند محاسبه می‌شد. اما از سال ۱۳۱۰ این سال آماری اول تیر تا آخر خرداد محاسبه شد که در نتیجه آن سال آماری ۱۳۱۰ دربردارنده پانزده ماه از اول فروردین ۱۳۱۰ تا آخر خرداد ۱۳۱۱ بود. با چنین مشکلات و موانعی رساله حاضر در گزارشی که به شرح زیر به ارائه می‌شود تدوین گردید.

## ۷. گزارش تحقیق

رساله حاضر در یک مقدمه، یک پیش‌درآمد، پنج فصل و نتیجه پایانی تدوین شد. در مباحث مربوط به پیش‌درآمد، با توجه به وجود این فرضیه که تأثیر تحولات اروپا بر سیاست‌های صنعتی‌سازی متأثر از

وضعیت توسعه‌نیافتگی و در نتیجه، وابستگی ایران به جوامع توسعه یافته سرمایه‌داری مخصوصاً در اروپا بود. به تبیین مسأله توسعه نیافتگی و صنعتی‌سازی در وضعیت توسعه‌نیافتگی پرداخته شد. در آغاز این قسمت ابتدا مفهوم توسعه‌نیافتگی، زمان و جریان تاریخی شکل‌گیری آن در مراحل سه‌گانه نظام سرمایه‌داری مورد بررسی قرار گرفته است. سپس جریان صنعت و صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه‌نیافته در دو مرحله مورد بررسی قرار گرفت. مرحله اول از نیمه دوم قرن هفدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم است. در این دوره که تحت تأثیر انقلاب صنعتی و عصر سرمایه‌داری صنعتی است، به سیاست‌های کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و در راس آنها انگلیس نسبت به صنعت و صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه نیافته پرداخته می‌شود. در مرحله دوم که تحت تأثیر ظهور پدیده‌ای به نام سرمایه‌داری بزرگ مالی است، محدوده زمانی نیمه دوم قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی دوم را دربر می‌گیرد.

در فصل اول رساله با توجه به هم با توجه به فرض وجود رابطه میان تحولات اروپا و سیاست صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه، تحولات اروپا در سال‌های میان دو جنگ مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی این فصل اگرچه بررسی چگونگی شکل‌گیری اقتصادی بحران ۱۹۲۹، ظهور نازیسم و جنگ جهانی دوم و پیامدهای این حوادث تاریخی بر صنعتی‌سازی در دوره رضاشاه است، اما با توجه به پیوستگی و ارتباط این حوادث با تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا در سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی اول، با صرف‌نظر از ریشه‌یابی‌های این حوادث از سال‌های پیش از جنگ جهانی اول، تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا از سال ۱۹۱۹ مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی با یک تقسیم‌بندی جدید تحولات سیاسی و اقتصادی اروپا به چهار دوره تقسیم شد و در این دوره‌ها به مسائلی چون پیامدهای اقتصادی جنگ و صلح، سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۳، حاکمیت سیستم ورسای، ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۸، بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و پیامدهای آن در جوامع سرمایه‌داری، زمینه‌های اقتصادی ظهور نازیسم و بالاخره تاریخ سیاسی اروپا از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۹ تحت عنوان بسوی جنگ پرداخته شد.

در فصل دوم رساله به تأثیر تحولات ایران پس از جنگ در شکل‌گیری مرحله جدید از صنعتی‌سازی در ایران پرداخته می‌شود. این فصل به مباحثی چون صنعتی‌سازی در ایران عصر قاجار و علل ناکامی آن، پیامدهای سیاسی و اقتصادی جنگ جهانی اول بر ایران مخصوصاً تأثیر آن رفع شرایط نیمه-استعماری از ایران و فراهم کردن زمینه‌های شکل‌گیری حکومت مقتدر تمرکزگرا، شکل‌گیری حکومت مقتدر تمرکزگرا ابزارها و نهادهای مورد نیاز برای ایجاد تمرکز سیاسی و ضرورت تامین منابع مالی از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی برای ایجاد نهادها و ابزارهای سیاسی و در نهایت جایگاه صنعتی-سازی در سیاست‌های اقتصادی حکومت تمرکزگرا در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۸ و اختصاص دارد.

در فصل سوم رساله تأثیر بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بر سیاست صنعتی‌سازی در ایران بین سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ پرداخته می‌شود. در گفتار اول این فصل به منظور نشان دادن پیامدهای و واکنش‌های مشابه بحران در جوامع توسعه نیافته به بررسی پیامدهای بحران در کشورهای توسعه نیافته و واکنش‌های مشابه این جوامع از جمله تلاش برای صنعتی‌سازی جهت رهایی از مشکلات ناشی از بحران پرداخته می‌شود و سپس در دو گفتارهای پیامدهای اقتصادی بحران بر ایران با تکیه بر آمار ارقام و صنعتی‌سازی به عنوان راه‌حلی برای رهایی از مشکلات اقتصادی ناشی از بحران پرداخته می‌شود. در گفتار اخیر به میزان مشارکت دولت و بخش خصوصی، آمار صنایع ایجاد شده، استراتژی که بر اساس آن صنایع ایجاد شدند مورد بررسی قرار گرفتند.

فصل چهارم رساله به تأثیر روابط ایران و آلمان نازی بر سیاست‌های صنعتی‌سازی اختصاص دارد. در این فصل به سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی مخصوصاً نیاز این رژیم به مواد اولیه جهت دستیابی به فضای حیاتی، و تمایل این کشور به معاوضه ماشین آلات صنعتی با مواد اولیه، نیاز اقتصادی ایران به فروش مواد اولیه برای تأمین ارز مورد نیاز جهت تهیه ماشین آلات صنعتی و در نتیجه به وجود آمدن زمینه‌های روابط اقتصادی و مبادلاتی میان ایران و آلمان نازی، انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری و پیامدهای این روابط بر اقتصاد ایران و مخصوصاً سیاست صنعتی‌سازی و تغییر در استراتژی صنعتی‌سازی و خارج شدن صنعتی‌سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت در مقابل اولویت یافتن توسعه کشاورزی تجاری پرداخته می‌شود.

و بالاخره در فصل پنجم و پایانی رساله پیامدهای بروز جنگ جهانی دوم بر صنعتی‌سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیر جنگ جهانی دوم بر روند صنعتی‌سازی پیش از اشغال ایران و مخصوصاً محاصره دریائی آلمان توسط انگلستان، پیامدهای آن بر روند صنعتی‌سازی، تکاپوی ایران و آلمان برای رهایی از این مشکل و اشغال ایران توسط روسیه و انگلستان از جمله مباحث مورد بررسی قرار گرفته در این فصل هستند.

اما برای نگارش رساله‌ای که بدین ترتیب تدوین شد منابع مختلفی مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت که مهمترین که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.